

تفسیر قرآن

مبادی، قواعد، علوم مورد نیاز

دکتر محسن قاسم پور

(دانشیار دانشگاه کاشان)



نشر هسپار

تهران

۱۳۹۶

تفسیر قرآن

مبادی، قواعد و علوم مورد نیاز

دکتر محسن قاسم‌پور



ناشر: هستی‌نما، ناشر همکار: انتشارات دانشگاه کاشان،

لیتوگرافی: ۱۱۰، چاپ و صحافی: نگارش، چاپ: اول، زمستان ۱۳۹۶،

شمارگان: ۵۰۰، قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان، ۲۵۲ صفحه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۲۵۵-۰۰-۹

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.



مکانی: تهران، ص-پ: ۷۵۳-۱۳۱۴۵

تلفن: ۰۹۱۲۱۵۲۱۰۰۸

E-mail: Hastinama@gmail.com



قاسم‌پور، محسن، ۱۳۴۰-

تفسیر قرآن: مبادی، قواعد و علوم مورد نیاز / محسن قاسم‌پور.

تهران: هستی‌نما؛ دانشگاه کاشان: انتشارات، ۱۳۹۶.

۲۵۲ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۹۸۲۵۵-۰۰-۹ ۱۵۰۰۰۰ تومان

فیا

کتابنامه: ص [۲۱۱]-۱۲۲۲ همچنین به صورت زیر

نمایه

تفسیر-- فن

Koran--Criticism, Interpretation, etc--Technique

تفاسیر--تاریخ و نقد

Quran--Commentaries--History and Criticism

دانشگاه کاشان

۱۳۹۶ ۲۷/۱۵/۹۱ BP

۲۹۷/۱۷۱

۴۹۵۹۵۵۹

سرشناسه:

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

فهرست نویسی:

یادداشت:

یادداشت:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

موضوع:

شناسه افزوده:

رده‌بندی کنگره:

رده‌بندی دیویی:

شماره کتابشناسی ملی:

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
	بخش اول: فهم قرآن، چرایی، شرایط و منابع
۱۹	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۱۹	۱-۱. معنای تفسیر
۱۹	۲-۱. معنای اصطلاحی تفسیر
۲۱	۳-۱. تأویل به لحاظ لغوی
۲۲	۴-۱. معنای اصطلاحی تأویل
۲۳	۵-۱. تأویل قرآن
۲۳	۶-۱. تفاوت تأویل و تفسیر
۲۴	۱-۶-۱. دیدگاه راغب اصفهانی
۲۵	۲-۶-۱. دیدگاه ابوعبیده معمر بن مثنی
۲۵	۳-۶-۱. دیدگاه ابن حبیب نیشابوری
۲۵	۴-۶-۱. دیدگاه مائزیدی
۲۶	۵-۶-۱. دیدگاه ابوطالب تغلبی
۲۶	۶-۶-۱. دیدگاه آلوسی
۲۶	۷-۶-۱. دیدگاه دیگران
۲۸	۷-۱. چستی تفسیر به رأی
۲۹	۱-۷-۱. مستندات قرآنی پرهیز از تفسیر به رأی
۳۰	۲-۷-۱. مستند روایی پرهیز از تفسیر به رأی
۳۲	۳-۷-۱. تفسیر به رأی و سیره برخی صحابیان و تابعیان
۳۳	۴-۷-۱. مفهوم رأی در تفسیر به رأی

- ۳۵..... ۵-۷-۱ مفهوم تفسیر به رأی از نظر برخی مفسران
- ۳۶..... ۶-۷-۱ جمع‌بندی
- ۳۷..... فصل دوم: ضرورت تفسیر و فهم‌پذیر بودن آن
- ۳۷..... ۱-۲ ضرورت تفسیر
- ۴۰..... ۲-۲ ذو بطون بودن آیات قرآن و نیاز به تفسیر
- ۴۴..... ۳-۲ فهم‌پذیر بودن قرآن
- ۴۷..... فصل سوم: منابع و مصادر تفسیر
- ۴۷..... ۱-۳ مصادر تفسیر
- ۴۸..... ۱-۳-۱ مصدر قرآن
- ۵۰..... ۱-۲-۱ دلایل قرآنی این منبع تفسیری
- ۵۱..... ۱-۲-۲ دلایل روایی منبع بودن قرآن برای تفسیر
- ۵۲..... ۲-۱-۳ سیرهٔ مصومان در تفسیر قرآن
- ۵۴..... ۱-۲-۱-۳ شاگردان تفسیری مکتب اهل بیت و تفسیر قرآن به قرآن
- ۵۵..... ۳-۱-۳ سیرهٔ مفسران فریقین
- ۵۶..... ۲-۳ منبع بودن روایت برای تفسیر
- ۵۷..... ۱-۲-۳ منبع بودن روایت از منظر قرآن‌پژوهان و مفسران
- ۶۰..... ۱-۲-۳-۱ نگاهی گذرا به روایات تفسیری
- ۶۱..... ۱-۲-۳-۱-۱ روایات تفسیری و آسیب‌ها
- ۶۲..... ۳-۳ عقل و منبع بودن آن در تفسیر
- ۶۵..... ۴-۳ لغت و منبع بودن آن برای تفسیر
- ۶۷..... ۵-۳ فرهنگ عربی، دیگر مصدر لغوی برای تفسیر قرآن
- بخش دوم: علوم و قواعد مورد نیاز تفسیر
- ۷۳..... فصل اول: علوم مورد نیاز در تفسیر
- ۷۴..... ۱-۱ اهمیت و جایگاه لغت در تفسیر
- ۷۷..... ۱-۱-۱ علم لغت و توجه به معنای زمان نزول
- ۷۸..... ۲-۱-۱ لزوم توجه به معنای تحول‌یافته برخی کلمات در قرآن
- ۸۲..... ۲-۱ شناخت جنبه‌های صرفی واژگان

۳-۱.	جایگاه علم نحو و تفسیر قرآن	۸۵
۴-۱.	علوم بلاغی و نقش آن در تفسیر قرآن	۸۷
۵-۱.	تفسیر قرآن و علم کلام	۹۱
۱-۵-۱.	علم کلام در سنت معصومین	۹۲
۲-۵-۱.	رابطه علم کلام و تفسیر	۹۳
۶-۱.	تفسیر و دانش اصول فقه	۱۰۰
۱-۶-۱.	رابطه دانش تفسیر با علم فقه	۱۰۲
فصل دوم.	علم قرآنی و نقش مهم آن در تفسیر قرآن	۱۰۵
۱-۲.	علوم قرآنی و تعاریف آن	۱۰۵
۲-۲.	وحی و رابطه دانشی در علوم قرآنی	۱۰۷
۱-۲-۲.	معنا لغوی اصطلاحی وحی	۱۰۷
۲-۲-۲.	وحی در معنای اصلاح قرآنی	۱۰۸
۳-۲-۲.	تعریف وحی، رسال و انواع آن	۱۱۱
۱-۳-۲-۲.	گونه‌های وحی رسال	۱۱۲
۴-۲-۲.	مردم روزگار جاهلیت و پدیده وحی	۱۱۴
۵-۲-۲.	دیدگاه‌های مطرح دربارهٔ برشت وحی الهی	۱۱۵
۳-۲.	اسباب نزول	۱۲۰
۱-۳-۲.	آثار مربوط در باب سبب نزول	۱۲۲
۲-۳-۲.	نقش اسباب النزول در فهم و تفسیر قرآن	۱۲۲
۳-۳-۲.	مهم‌ترین راویان اخبار اسباب نزول	۱۲۴
۴-۳-۲.	فواید آگاهی از اسباب النزول	۱۲۵
۵-۳-۲.	رابطه اسباب النزول و برخی علوم قرآنی	۱۲۸
۱-۵-۳-۲.	رابطه سبب نزول و وحی	۱۲۹
۲-۵-۳-۲.	رابطه سبب نزول و قرائت	۱۳۰
۶-۳-۲.	روایات تفسیری سبب نزول	۱۳۳
۴-۲.	شناخت محکم و متشابه و تأثیر آن در فهم قرآن	۱۳۵
۱-۴-۲.	معنای اصطلاحی متشابه	۱۳۷

- ۱-۴-۲. دیدگاه برخی عالمان در تعریف محکم و متشابه ۱۳۸
- ۲-۴-۲. نمونه‌هایی از آیات متشابه و محکم ۱۴۰
- ۳-۴-۲. حکمت وجود آیات متشابه ۱۴۲
- ۱-۳-۴-۲. ذاتی و عرضی بودن محکم و متشابهات ۱۴۳
- ۲-۳-۴-۲. تفسیر آیات متشابه یا رفع تشابه آن ۱۴۴
- ۵-۲. نقش دانش مکی و مدنی در تفسیر قرآن ۱۴۵
- ۱-۵-۲. محورهای مطرح و درخور بررسی در دانش مکی و مدنی ۱۴۵
- ۲-۵-۲. راه شناسایی مکی و مدنی ۱۴۷
- ۵-۲. شناخت قرآن و دستیابی به تفسیر درست آن ۱۴۸
- ۱-۳-۵-۲. تفسیر آیه ۴۳ سوره رعد در پرتو روایات ۱۵۰
- ۲-۳-۵-۲. تنسیب آیه ۶۰ سوره اسراء ۱۵۳
- ۱-۲-۳-۵-۲. تفسیر رؤیا و بررسی روایی آن ۱۵۴
- ۱-۲-۱-۵-۲. نقد بررسی روایت ۱۵۵
- ۲-۲-۳-۵-۲. بررسی روایت مربوط به صلح حدیبیه ۱۵۵
- ۲-۲-۳-۵-۲. بررسی روایت ۱۵۵
- ۳-۲-۳-۵-۲. روایت مربوط به ظهور بنی‌امیه ۱۵۶
- ۱-۳-۲-۳-۵-۲. دلایل صحت روایت ۱۵۷
- ۳-۳-۵-۲. تفسیر آیه ۱۱۳ سوره توبه ۱۵۸
- فصل سوم: قواعد تفسیری ۱۶۳
- ۱-۳. قواعد تفسیری ۱۶۳
- ۱-۱-۳. قواعد مؤثر در تفسیر قرآن ۱۶۵
- ۱-۱-۳. قاعده قرائت صحیح ۱۶۵
- ۲-۱-۳. تواتر قرآن، نه تواتر قرائات قاریان هفت‌گانه ۱۶۷
- ۳-۱-۳. محدوده اختلاف قرائات در آیات قرآن ۱۶۸
- ۱-۳-۱-۳. بازتاب اختلاف قرائات در تفسیر از منظر علامه طباطبایی ۱۷۰
- ۲-۳. دلالت‌ها و انواع آن ۱۷۲
- ۳-۳. نمونه‌ای از آیات قرآن و توجه به دلالت‌ها در آن ۱۷۵

۱۷۶	۴-۳. قاعدهٔ سیاق
۱۸۱	۵-۳. تقسیم‌بندی عبارات قرآنی باتوجه‌به انواع سیاق
	بخش سوم: سبک‌های تفسیری
۱۸۵	فصل اول: تفسیر ترتیبی
۱۸۵	۱-۱. تفسیر ترتیبی
۱۸۸	۱-۲. رابطهٔ تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی
۱۸۹	۱-۳. تفسیر ترتیبی و تناسب آیات
۱۸۹	۱-۴. انواع تفسیرهای ترتیبی
۱۹۰	۱-۴-۱. تفسیر ترتیبی روایی پیوسته
۱۹۱	۱-۴-۲. تفسیر غیرپیوستهٔ ترتیبی
۱۹۳	فصل دوم: تفسیر موضوعی
۱۹۳	۱-۲. تعریف تفسیر موضوعی
۱۹۸	۲-۲. تفسیر موضوعی و جدا کردن بعضی از بعضی
۱۹۸	۳-۲. تفسیر موضوعی، راهکار دستیابی به نظریهٔ قرآنی
۲۰۲	فصل سوم: تفسیر تنزیلی
۲۰۲	۱-۳. تعریف تفسیر تنزیلی
۲۰۲	۲-۳. امکان تفسیر تنزیلی
۲۰۴	۳-۳. پیشینهٔ سبک تفسیر تنزیلی
۲۰۸	۴-۳. فواید تفسیر تنزیلی براساس نزول
۲۱۱	فهرست منابع
۲۲۳	فهرست آیات
۲۳۱	فهرست احادیث
۲۳۴	فهرست اعلام
۲۴۳	فهرست کتاب‌ها

مقدمه

نور و بیار دو اصطلاحی است که قرآن کریم درباره خود به کار برده است: «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۱ بالاین همه، قرآن کریم به مثابه وحی نامه الهی، مانند هر متن مقدس دیگر، به تفسیر و بیان کننده‌ای نیاز دارد. گرامی نامه قرآن، سخن خدا و کلام الهی است و به طور طبیعی، سخنان خداوند حکیم همانند خود او به لحاظ معنایی، لایتناهی و فراتر از محدودیت‌های معنایی مردم بشری است. از همین رو درک محدود بشری، فروتر از معنای بلند الفاظ قرآنی است. بنابراین حران نص می‌کند: «مِنهُ آيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ»^۲ درست به همین دلیل است که یکی از مبانی زبان‌شناسانه قرآن، لایه لایه بودن معنای واژگان قرآنی است که بسیاری از مفسران و قرآن‌پژوهان نیز بدان معتقدند. از آنجاکه یکی از صفات برجسته خداوند و کلام او «حکیم بودن» است، این موضوع معنادار بودن سخنان الهی و فهم‌پذیر بودن آن را تداعی و استعاره می‌کند؛ گرچه این فهم مراتبی را داراست و در واقع به فراخور فهمندگان، متفاوت خواهد بود. در سبب این اساس است که اعتقاد به حکمت الهی و کلام او، اولاً معنادار بودن و در گام بعدی ضرورت تفسیر آن را به عنوان لازمه آن مورد تأکید قرار می‌دهد. می‌توان با استناد به برخی سخنان امام علی (علیه السلام) نیز ضرورت تفسیر قرآن را به دست آورد؛ مانند این عبارات: «ذَلِكَ الْقُرْآنُ فَاسْتَنْطِهُ وَ لَنْ يَنْطِقَ وَلَكِنْ أَخْبِرْكُمْ عَنْهُ أَلَا إِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَأْتِي وَ الْحَدِيثَ عَنِ الْمَاضِي وَ دَوَاءَ دَائِكُمْ وَ نَظْمٌ مَا بَيْنَكُمْ: آن- کتاب خداست- قرآن، از آن بخواهید تا سخن گوید. هرگز سخن نگوید!

۱. مانند (۵): ۱۵-۱۶.

۲. آل عمران (۳): ۶

اما من شما را از آن خبر می‌دهم. بدانید که در قرآن، علم آینده است و حدیث گذشته. درد شما را درمان است و راه سامان دادن کارتان در آن است.^۱ «وَتَعْلَمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَفَقَّهُوا فِيهِ فَإِنَّهُ رِيعُ الْقُلُوبِ» و قرآن را بیاموزید که نیکوترین گفتار است و آن را نیک بفهمید که دل‌ها را بهترین بهار است.^۲ «هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ خُطٌّ مَسْتُورٌ بَيْنَ الدَّقَّتَيْنِ لَا يَنْطَلِقُ بِلِسَانٍ وَلَا يَبْدُ لَهُ مِنْ تَرْجُمَانٍ وَإِنَّمَا يَنْطَلِقُ عَنْهُ الرِّجَالُ» و این قرآن، خطی نبشته است که میان دو جلد هشته است. زبان ندارد تا به سخن آید. ناچار آن را ترجمانی باید، و ترجمانش آن مردان‌اند. که معنی دانند.^۳

باور به چنین مفهومی است که در طول تاریخ اسلام، مفسران را بر آن داشته است که در مقابل تبیین و تفسیر آیات الهی برآیند و دیدگاه کسانی که این کتاب آسمانی را بی‌نیاز از تفسیر می‌دانند، ارائه شواهد و استدلال‌هایی متین و استوار پاسخ‌گو باشند.

بر کسی پوشیده نیست که اهمیت تفسیر قرآن از آن‌روست که موضوع آن، کلام خداوند است و پرپیداست که اهمیت هر دانشی به اعتبار اهمیت موضوع آن است. باتوجه‌به این جایگاه و اهمیت والای قرآن نزد مسلمانان، هم تفسیر و هم مفسر قرآن دارای شرایطی ویژه است. بی‌تردید تفسیر قرآن همانند ترجمه آن دشواری‌های خاصی دارد. فراموش نمی‌کنم زمانی یکی از استادان - که اکنون در جوار رحمت الهی آرامیده - بر این نکته تأکید می‌ورزید که قرآن ترجمه‌ناپذیر است و اگر به‌ضمانت باید آن را ترجمه کرد، این ترجمه می‌باید کاری جمعی و گروهی باشد. بی‌تردید این دیدگاه - آنجا نشأت می‌گیرد که برگردان کلام الهی به دست انسانی جایز الخطا، کاری است بس دشوار؛ چنانکه وی دارای معرفتی نسبی است. حال چگونه کلماتی (گرچه به زبان عربی) را که خداوند صاحب کرده و هریک را با بار معنایی خاص در کنار واژه‌ای دیگر قرار داده تا از رهگذر آن به‌کشش مراد الهی برسیم، برگردان معنایی‌اش توسط انسانی با محدودیت‌های ذهنی امکان‌پذیر است؟ این صعوبت درباره تفسیر نیز به‌گونه‌ای چشمگیرتر خود را نمایان می‌سازد. اما به حکم «آب دریا را اگر نتوان کشید/ هم به قدر تشنگی باید چشید» باید در راه فهم کلام الهی و تفسیر قرآن قدم نهاد که البته می‌باید گامی استوار باشد. در این خصوص، چند مسئله مهم و ضروری مطرح است:

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸، ترجمه شهیدی

۲. همان، خطبه ۱۱۰

۳. همان، خطبه ۱۲۵

نخست مبانی تفسیر و در مراحل بعدی قواعد و روش درست تفسیر.

درباره هر کدام از موضوعات بالا، کم‌وبیش آثاری تدوین گردیده که همه آن‌ها در پیوندی وثیق با تفسیر قرآن است. نمی‌توان از تفسیر قرآن سخن گفت، ولی هیچ بحثی از مبانی آن نداشت. از این رو دانشورانی از مبانی صدور و شناسنامه‌ای و مبانی دلالتی و مبانی فهم قرآن سخن گفته‌اند. درباره این مسئله، در جای خود به اختصار سخن خواهیم گفت. همچنین است قواعد تفسیر قرآن که در آن، از اصول و قواعد تفسیر سخن می‌رود. در واقع کاربرست قواعد صحیح تفسیر قرآن، رهیافت استواری است به فهم مراد الهی. در این زمینه نیز آثاری از پژوهشگران بسیار در برابر ماست که هریک به زاویه‌ای یا جنبه‌ای از قواعد تفسیر توجه کرده و برین ترتیب در مسیر فهم قرآن سهم شایانی داشته‌اند.

روش‌شناسی تفسیر قرآن موضوع مهم دیگری است که از دیرباز مورد توجه محققان و قرآن‌پژوهان به‌خصوص در چند دهه اخیر بوده است. آنان در این باره آثاری گرانسنگ پیش روی علاقه‌مندان به مطالعه روش‌های تفسیری قرآن گذاشته‌اند که در جای خود، گامی است مؤثر در ادامه پژوهش‌های قرآنی.

در اینجا باید تأکید کنیم که درباره روش صحیح تفسیر قرآن، افزون بر آنچه در کلام معصومان به چشم می‌خورد، برخی مفسران و نویسندگان کتب علوم قرآنی نیز در مقدمات تفاسیر خود یا در بخشی از کتاب‌های مرتبط با علوم قرآنی از این موضوع سخن گفته‌اند؛ همان‌گونه که کسانی دیگر در قالب تک‌نگاری یا مستقل روش‌شناسی تفسیر را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

در میان کلام معصومان، اصرار آنان بر پرهیز از تفسیر به رأی، از اهمیت روش درست قرآن حکایت دارد؛ از جمله اینکه پیامبر (ص) فرمود: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ غَيْرَ مَا نَزَّلَ بِهِ صَابَ فَقَدْ أَخْطَأَ» هر کس قرآن را براساس دیدگاه خود تفسیر کند، اگر هم از قضا رأی و نظر او مطابق حق باشد [چون از مسیر درست نرفته و قرآن را تفسیر کرده]، باز خطا کرده است. یا رسول الله (ص) امام باقر (ع) که فرمود: «إِنَّ أَنَسًا تَكَلَّمُوا فِي الْقُرْآنِ بِغَيْرِ عِلْمٍ، بَرَخِي مَرْدَمَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ» در مورد قرآن سخن می‌گویند. یا اعتراض همین امام (ع) به قتاده، مفسر تابعی در بصره که به او فرمود: «فَإِنْ كُنْتَ تَفْسِيرُهُ بِعِلْمٍ فَأَنْتَ أَنْتَ وَآنَا أَسْأَلُكَ... وَيَحْكُ يَا قَتَادَةُ، إِنْ كُنْتَ إِنَّمَا فَسَّرْتَ الْقُرْآنَ مِنْ بَلَاءِ نَفْسِكَ، فَقَدْ هَلَكْتَ وَاهْلَكَتَ، وَإِنْ كُنْتَ قَدْ أَخَذْتَهُ مِنَ الرُّجَالِ، فَقَدْ هَلَكْتَ وَاهْلَكَتَ. وَيَحْكُ يَا قَتَادَةُ إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِطِبَ بِهِ...» اگر قرآن را از جانب خود

و بدون علم تفسیر می‌کنی، وای بر تو! و تو خود و دیگران را به هلاکت انداخته‌ای...». این از بُعد سلبی، اما از سوی دیگر و به نحو ایجابی، امامان معصوم با تفسیر خود راه و شیوه صحیح تفسیر قرآن را به ما نشان داده‌اند. به دیگر سخن، باید تأکید کرد امام معصوم به هیچ رو در مقام این نبوده که اگر کسی شرایط درست تفسیر قرآن را دارد، به این عرصه خطیر ورود نکند، وگرنه مقوله‌ای به نام روایات عرض در اینجا بی‌معنا خواهد بود، بلکه همه تأکید این بزرگان بر این بوده که هم تفسیر براساس روش صحیح باشد و هم مفسر برخوردار از شرایطی خاص. در راستای این تأکید، ذکر یک نمونه در اینجا شایسته می‌نماید: امام باقر علیه السلام روش فهم تفسیری، برخی اصحاب خود مانند جابر بن یزید جعفی را تأیید نموده؛ چنان‌که برابر گزارش علی بن ابراهیم قمی، آنجا که امام باقر علیه السلام شنید آیه شریفه «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأَاهُ أَلَمَّا لَمْ يَنْصَرِفْ إِلَّا إِلَىٰ مُعَادٍ» را جابر بن یزید تفسیر کرده، چنین فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ جَابِرًا لَقَدْ بَلَغَ مِنْ عِلْمِهِ وَفَهْمِهِ أَنْ يَعْرِفَ تَأْوِيلَ هَذِهِ الْآيَةِ».

به همین ترتیب، فرزندان از فریقین مانند محمد بن جریر طبری، ابن عطیه اندلسی، زمخشری، قرطبی، شیخ طوسی، لبرسی، فیض کاشانی و علامه طباطبایی در مقدمات تفاسیر خود، روش صحیح تفسیر قرآن و مباحثه‌های آن را یادآور شده‌اند. در اینکه کدام روش ما را به فهم بهتر آیه قرآن می‌رساند، سبب اختلافی مطرح شده است که باید در جای خود به آن پرداخت؛ اما در اصل روشمند بودن تفسیر و برخورداری آن از منطق و چارچوب روشی خود، کمترین تردیدی وجود ندارد.

نمونه مهم دیگر، سخن گفتن از آگاهی‌های مرتبط با علوم قرآنی و تأثیر آن آگاهی‌ها در تفسیر قرآن است. برخی دانش‌ها نظیر اسباب نزول، وحی، مجاز، نسخ و منسوخ، مکی و مدنی و قرائت، از جمله این دانش‌هاست که اطلاع از آن‌ها و اشراف بر جنبه‌های مختلف آن‌ها ما را در مقام تفسیر یاری می‌رساند.

ذکر نمونه‌ای از اهمیت آگاهی از دانش‌های علوم قرآنی در فرایند تفسیر قرآن براساس روایتی در اینجا کارگشاست. امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده است: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «أَنْتُمْ صَبَّوْا الْقُرْآنَ بِبَعْضِهِ يَنْفَضُ وَبِخَبْرِهِ يَنْفَضُ وَبِالْمَنْسُوحِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ أَنَّهُ النَّاسُخُ وَبِالْخَاصِّ وَهُمْ يَنْظُرُونَ أَنَّهُ الْعَامُ وَبِأَوَّلِ الْآيَةِ وَ تَرَكُوا السُّنَّةَ فِي تَأْوِيلِهَا وَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى مَا يَفْتَحُ الْكَلَامَ وَ إِلَى

مَا يَخْتِمُهُ وَلَمْ يَعْرِفُوا مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ إِذْ لَمْ يَأْخُذُوهُ عَنْ أَهْلِهِ فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا» این روایت می‌گوید اولاً در مقام تفسیر به مواردی مانند ناسخ و منسوخ آیات و محکم و متشابه و عام و خاص و تأویل آن‌ها در روایات باید آگاه بود؛ دوم اینکه در مصادیق مواردی مانند آنکه کدام آیه ناسخ و کدام منسوخ است و اینکه نباید به منسوخ به خیال اینکه ناسخ است، احتجاج کرد با خاص را نباید عام دانست و به عام بودن آن احتجاج نمود و به دیگر مواردی از این قبیل، باید آگاهی داشت.

باری نوشته پیش رو که از سر فروتنی تقدیم حضور گرامیان و دانشوران می‌شود، به قول زندگاد استاد بزرگوار، گامی است لرزان در مسیر پژوهش‌ها و مطالعات قرآن‌شناختی. شایسته دیدیم این اثر را تفسیر قرآن، مبادی، قواعد و علوم مورد نیاز نام نهیم. این عنوان بدین معناست که تفسیر قرآن پیش‌نیازهایی دارد که اساسی‌ترین محورهای آن عبارت است از: آگاهی از مبانی تفسیر و آشنایی با قواعد و روش‌های تفسیری. سبک‌های تفسیری مانند تفسیر ترتیبی، موضوعی، سنجشی و برخی مطالب مترتب بر آن نیز حاکی از ضرورت آگاهی‌های مختصری است که با تفسیر قرآن به ارتباط نیست. با اذعان به اینکه اثر حاضر کاستی‌ها و کمبودهایی دارد، امید آن دارم که خوانندگان و دانشوران مطلع از عرصه‌های علوم قرآنی و روش‌شناسی تفسیر، با بیان نکات اصلاحی و ارزشمند خود، مرا در تکمیل این اثر یاری رسانند. ان شاء الله.

والله من وراء القصد

محسن قاسم‌پور

استاد دانشگاه کاشان

مرداد ۱۴۰۶